

بازخوانی فرمانی منحصر به فرد

از عهد قاجاریه (۱۲۳۹ ق.)

«مهور به مهرهایی مزین به نام چهارده معصوم (ع)»

محسن روستایی

کلی که یک ورقش آبروی نه چمن است

نشان خاتم سلطان دین، ابوالحسن است^۱

دولت ایران و عثمانی و دخالت دول استعماری اروپا شد. خلاصه کشور ایران از نظر سیاسی و سرحدات و عقب ماندگیهای اجتماعی و فرهنگی، وضعیت نا به سامانی داشت که حکایت آن، در این مجال نمی گنجد. ۷

شاخصه اصلی فرمان مورد پژوهش ما، نقشبند مهرهایی است که با نام چهارده معصوم (صلوات الله علیهم اجمعین) مزین و فضای بالای فرمان را به شکل زیبایی آراسته است. و همین امر سبب شده است که از دیدگاه سندشناسی و هنری این فرمان اهمیت ویژه ای یابد. زیرا که تا قبل از آن، فرمانی با این شمایل نوبافته، دیده و آشکار نشده است. ۸

البته منظور فرامینی است که از زمان افشاریه، زنده و عهد قاجار، به جای مانده است؛ ۹ والا واقفیم که اصالت و بهره جویی از مهرها و طغراهایی که متبرک به نام مبارک اهل بیت (ع) بوده اند و در فرامین و احکام دیوانی منقش می شده اند؛ از دوران حکومت صفویه رواج یافت و به اتفاق، همه شاهان این سلسله، خود را بنده شاه ولایت و کلب آستان علی می دانستند ۱۰ و از جمله آنان، شاه اسماعیل صفوی (بهادر خان)، شاه طهماسب اول و شاه عباس اول، در مهرهای خود، عبارت: «بنده شاه ولایت» و در حاشیه آن، نام پیامبر و امامان (ع) را یاد می کرده اند. ۱۱

معروف است که شاه طهماسب (اول)، در میان مهرهای هفتگانه خود، مهری گلابی شکل داشته، که در بالای آن لفظ جلاله الله و نامهای: محمد (ص) و علی (ع) و در وسط آن، عبارت: «بنده شاه ولایت طهماسب (۹۴۶)» و در حاشیه آن، بیت زیر را به کار می برده است:

گر کند بدرقه لطف تو همراهی ما

چرخ بر دوش کشد غاشیه شاهی ما^{۱۲}

از شاه عباس ثانی (۱۰۷۸-۱۰۵۲ ه.ق) اثر پنج مهر باقیست که یکی از معروفترین آنها، مهری است، گلابی شکل، که نام مطهر چهارده معصوم (ع) را در سجع مهر آن می آراسته، که بدین قرار است:

در بالا: «الله سبحانه مالک الملک - در وسط: بنده شاه ولایت عباس ثانی - در حاشیه: اللهم صلی علی محمد مصطفی و علی مرتضی و حسن الرضا و

روشن شناسی فرامین و سلطانیات سه - چهار قرن اخیر جایگاه شاخصی، در علم سندشناسی، مباحث و مبانئ تاریخ نگاری و ادبیات و هنر ایران، بخصوص در دوره صفویه و قاجاریه، ایجاد نموده است. البته برای انجام پژوهش روی فرامین و اسناد منحصر به فرد، نیاز است که مهارتهایی چون: ادبیات سندخوانی، واقع شناسی، رجال شناسی، منصب شناسی، القاب شناسی، اصطلاح شناسی، سبک شناسی، مهر شناسی و طغراشناسی، خط شناسی، تذهیب شناسی، کاغذشناسی و... را بطور طبیعی، به عنوان ابزار و مصادیق علم سندشناسی، به کار بگیریم؛ تا با دریافت های تخصصی - علمی، در این زمینه، به بخشی از واقعتهای تاریخی و فرهنگی این سرزمین، آگاهی یابیم. ۲

قدر مسلم بازخوانی و بازیافت لفظی و معنایی و محتوایی و ظاهر فیزیکی فرامین و احکام سلطانی و دیوانی بدون شناخت و بهره جویی از اجزاء و مصادیقی که برشمردیم؛ امکان پذیر نیست و این علوم وابسته، به عنوان یک درون مایه ذاتی و حقیقت اجتناب ناپذیر، در دل علم و فن سندشناسی، مقام و جای گرفته است. ۳

در این میان، فرمانی که به بازخوانی و معرفی آن پرداخته ایم؛ ۴ به طور حتم، از اسناد منحصر به فردی است که به لحاظ ادبیات سندشناسی، نکات نوبافته و قابل مذاقهای در آن دیده می شود. از دیگر سوی، این سند خصوصیات یک فرمان تمام عیار و در عین حال، کمیاب را که به دوران حکومت فتحعلی شاه قاجار باز می گردد؛ ۵ در بر دارد و می طلبد که در ابعاد مختلف، راجع به آن مطلب نوشت و سخن راند. روزگاری که این فرمان صادر شده (۱۲۳۹ ق.)، مصادف است، با گذشت بیش از ده سال از جنگ های ایران و روس و انعقاد عهدنامه گلستان، که پس از آن، شرایط به نحوی رقم خورد که ایران مجبور شد؛ دو سال بعد (۱۲۴۱ ق.)، دوره دوم جنگهای خود را با دولت روس از سر بگیرد... ۶ و از سوی دیگر به خاطر تعدیات عثمانی ها، در غرب کشور، همزمان با صدور همین فرمان، عهدنامه «ارزنه الروم» نیز در ربیع الثانی، سال ۱۳۲۹ ق. مابین دولتین ایران و عثمانی منعقد شد و چون، مواد عهدنامه، واضح نبود، مشکلات فراوانی در خطوط مرزی و نقاط سرحدی ایجاد شد که به تدریج باعث تیرگی روابط

حسین الشهید و علی زین العابدین، محمدالباقر، جعفر الصادق، موسی الکاظم، علی بن موسی الرضا، محمدالتقی، علی النقی، حسن العسکری و محمدالمهدی از سلطان حسین هم هفت مهر باقیست، اما مهر گلابی شکل و دنداندار او، از سایرین متمایز تر و تا حدودی به مهر ترنجی دایره دار دنداندار ای فتحعلی شاه (۱۲۳۹ق.) شباهت دارد. سجع مهر این شاه صفوی، چنین است:

در وسط: بنده شاه ولایت حسین - ۱۱۱۲ در حاشیه: حسبی الله. اللهم صلی علی النبی والوصی والتول والمجتبی والحسین والسجاد والباقر والکاظم والرضا والتقی والنقی والزکی والمهدی ۱۳.

طغراکشی نیز که از هنرهای خاص دوره های سلجوقی به بعد بوده، در دوره صفوی، تنوع بیشتری یافت. زیرا که پادشاهان این خاندان طغراهای گوناگونی داشته اند؛ چنانکه شاه صفی و شاه عباس ثانی و شاه سلیمان، طغرای خاص به شکل مربع با خانه های شطرنجی (۱۲ خانه) داشتند که بالوان سرخ و طلایی، نام امامان (ع) را در خانه های آن می نوشتند؛ از جمله، توفیق طغرای شاه عباس ثانی، چنین بوده است:

الحکم لله للمؤید من عندالله، ابوالمظفر عباس خان الصفوی الموسوی الحسینی سیوزومز ۱۴ و در داخل دوازده خانه شطرنجی، نام امامان (ع)؛ علی، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و محمد نوشته می شد^{۱۵}.

درباره این گونه طغراها در منشآت خطی که در زمان شاه سلیمان تألیف گردیده و مؤلف آن هم معلوم نیست؛ آمده است "که طغراهای شطرنجی، که از زمان شاه طهماسب اول (۹۸۴ - ۹۳۰) مرسوم گردیده، تا زمان شاه سلیمان نیز معمول بوده است". با بررسی فرمانهای دوره صفوی برمی آید، از زمان شاه طهماسب (اول)، تحولی دیگر نیز در شکل و مضمون طغراها پدید آمده است؛ بدین معنی که بر فرمانهای پادشاهان، به جای ذکر نام و القاب آنها، طغراهایی با مضمون: "حکم جهان مطاع شد." فرمان همایون شد." و "فرمان همایون شرف نفاذ یافت"، کشیده می شد و هر یک از این طغراها، استعمال خاص و معینی داشته، که با مرکبی به رنگ های متفاوت نوشته می شده است. ۱۶.

نکته دیگری که درباره طغراها باید گفت؛ جای طغرا در فرمانها و نامه هاست و از دوره ایلخانان تا زمان شاه اسماعیل اول صفوی، معمول بوده است. در همین دوره، در فرمانها و نامه هایی که مهر می شد، جای طغرا بالای مهر قرار داشت... بعد از شاه اسماعیل اول صفوی، در جای طغرا، در فرمانها تغییری بدین گونه پدید آمد که طغرا در آغاز سطر اول فرمان و یا نامه می نوشتند و مهر را در بالای همان سطر نقش می کردند و این روش تا پایان دوره قاجاریه متداول بود. ۱۷.

پس از انقراض سلسله صفوی (۱۱۴۸ق.)، رسم طغراکشی با خطوط منحنی و شکل پیچیده، باز معمول گردید و نمونه های آن در فرمانهایی که از پادشاهان افشار و زند و قاجار باقی است؛ دیده می شود. با این وصف، بطور معمول طغراها در این دوره ترکیبی است، از مضمون طغراهای پادشاهان صفوی و عباراتی شبیه به توفیق های سلجوقی. چنانکه نادر شاه طغرای با مضمون های: "بوعون الله تعالی شانه، فرمان همایون شد." و "عوذ بالله تعالی شانه فرمان همایون شد؛" داشته است. ۱۸. فقط محمدشاه قاجار، در فاصله زمانی تاریخ فوت فتحعلی شاه (جمادی الاخر ۱۲۵۰ق.)، که خبر آن در تبریز به او رسید، تاجلوس و تاجگذاری

خود در تهران (۱۵ رمضان ۱۲۵۰ق.) یعنی مدت دو ماه و نیم، طغرای با مضمون "فرمان والا شد" برای خود تعبیه نمود ۲۰ که در حقیقت طغرای موقتی به شمار می رفت و این طغرا بر فرمانی به تاریخ ماه رجب ۱۲۵۰ق. کشیده شده است. ۲۱. منحصر آنجه که از فرامین بازمانده از فتحعلی شاه قاجار دستگیرمان می شود؛ این است که او نیز همان طغرای شاهان قاجاریه (یعنی: "الملک لله تعالی [شانه] حکم همایون شد") را در احکام و فرامین سلطانی به کار می برده و مهمترین تحمیدیه ۲۳ و سجع مهر او بدین مضمون بوده است:

بسم الله تعالی شانه العزیز

الملک لله

سلطان صاحبقران

گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی

قرار در کف شاه زمانه فتحعلی ۲۴

حاصل کلام اینکه: فرمان مورد پژوهش ما، از جمله فرامین فتحعلی شاه قاجار است که هیچگونه شباهتی با سایر فرامین او ندارد؛ زیرا در این فرمان، طغرای معروف و سجع مهر هایش موجود نیست و در عوض سجع مهرهایی مزین به نام انمه اطهار (ع) در قسمت بالای فرمان، به طرز زیبایی منقش شده است. و این عقیده را بر ذهن متبادر می کند که مجموعه این مهرها، از نظر شکل و محتوا برگرفته از مهرها و طغراهای عهد صفویه است. اما از نظر کاربرد؛ تمامی این مهرها - به عنوان یک حقیقت واحد - تشکیل دهنده طغرای است منحصر به فرد، مختص عهد قاجار و فتحعلی شاه، که در شکل و اندازه و درون مایه، حتی از [مهرها] و طغراهای عهد صفویه، نیز کاملتر و هنری تر است؛ زیرا علاوه بر نام انمه و صلوات و درود بر ایشان، بسیاری از القاب و اوصاف آنان نیز در توفیق این طغرا نوشته شده است.

در دوران قاجار و حتی قبل از آن، رقم و یا فرمانی کامل بود، که سجع مهر و طغرای مخصوص شاه در آن نقش بسته باشد و اگر فرمانی فاقد این دو بود؛ از حیث سندیت، اهمیت چندانی نداشته و به قولی بیشتر به سواد فرمان، شبیه بوده است؛ چرا که سجع مهرهای شاهان و طغراکشی از اجزای اصلی فرامین به شمار می رفته و حتی نوشته ای که محتوا و سایر مصادیق یک فرمان، یا رقم سلطانی را داشته است؛ بدون مهر و طغرای شناخته شده شاه، هنوز در مرحله فرمان محسوب نمی شد، و در زمان خود، نه تنها قابلیت اجرا نداشته، بلکه در زمان ما نیز، سندیت پژوهشی آن، به عنوان یک فرمان یا حکم تمام عیار، کاهش می یابد. با این وصف دلیل اصلی که نشان می دهد، این مهرها به منزله طغرای ناشناخته از فتحعلی شاه، به جای مانده، آن است که این فرمان (۱۲۳۹ق.) بر خلاف سایر فرامین او، فاقد طغرای "الملک لله تعالی [شانه] حکم همایون شد" است؛ اما سجع مهر شاه را دارد. با این تفاوت که سجع مهر مخصوص، به جای اینکه در بالای فرمان حک شود، به احترام اهل بیت (ع) در پشت فرمان، نقش بسته است. بنابراین، هر فرمانی به طور طبیعی نه استثنایی، می بایست علاوه بر مهر شاه، طغرا نیز داشته باشد. آن هم طغرای که طبق روال معمول، در فرامین عهد قاجار به کار می رفته، خوب در این فرمان، این اتفاق نیفتاده؛ پس نتیجه می گیریم، مجموعه مهرهای به کار رفته در فرمان، طغرای ترکیبی و مهرگونه است که تمامی معیارهای مهرشناسی و طغراکشی را تغییر و متحول ساخته است.

همان گونه که می دانیم طغراها به نوعی امضا و القابی بوده اند که از خطوط منحنی و پیچیده به شکل تیر و کمان، تشکیل یافته و بر بالای نامه ها و فرمانها می کشیده اند. ۲۵ اما طغرای ما برخلاف سایر طغراهای معروف و معمول، پیچیدگی خطوط را با استفاده از شکل و نوع خطی که در درون مهرهای کوچک و بزرگتر به کار رفته، به نمایش گذارده است. همین امر و دیگر مواردی که بر شمردیم، سبب شده است؛ طغرای خلق شود که شمایل آن با طغراهای عهد صفویه، زندیه، افشاریه و قاجاریه تفاوت افزونی داشته باشد. ۲۶

شرح موضوعی فرمان :

[فرمان فتحعلی شاه قاجار، مبنی بر اعطای منصب سرکشیکچی باشی، به سلطان احمد میرزا.....، تاریخ ۱۲۳۹ ق.]

شاخصه های فرمان :

این فرمان، در قطع و اندازه ۵۳×۳۸ سانتی متر است که متن اصلی آن، با مرکب مشکی، خط شکسته نستعلیق و روی کاغذ نسبتاً زرد، نوشته شده است. حواشی فرمان به شکل زیبایی، مجدول به خطوط رنگی، از جمله زرد طلایی، صورتی و آبی کم رنگ، تذهیب یافته و از همه مهمتر فرمان مزبور، مزین به طغرای است که توفیق و سجع مهرهای آن به برخی از اسماء و صفات مبارک پروردگار عالم، رسول اکرم محمد مصطفی (ص) مولا علی (ع)، فاطمه زهرا (علیها السلام) و یازده فرزند مطهر ایشان، تبرک یافته است. ۲۷

آنچه که در مجموعه این طغرا چشم گیر است، سجع مهری است؛ ترنجی شکل که اسامی مبارک چهارده معصوم (ع) در دایره های کوچک قرار گرفته و در قسمت میانی آن بیت فردی در وصف صدیقه کبری (علیها السلام)، ساقی کوثر، و ذریه طیبه حسین بن علی (ع) آورده شده که با مفاهیمی رمزگونه حول محور عبارت "ماشاءالله لا قوة الا بالله" در گردش است. اگر با دقت به انتهای مصرع دوم بیت نگاه کنیم، به تاریخ سال جلوس شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵هـ) بر می خوریم و این سنوالب پیش می آید، که چرا سال جلوس شاه سلطان حسین، در طغرای که متعلق به عهد قاجار و فتحعلی شاه است، بیان شده است؟ پاسخ این سنوالب با توجه به برداشتی که از کل فرمان و طغرای منحصر به فرد آن می شود؛ این است که چون شمایل درونی و برونی مجموعه مهرها و طغرای منظور نظر، نشأت یافته از سبک و سیاق سجع مهرها و طغراکشی عهد صفویه است و بخصوص مهر ترنجی دایره ای و دندانه دار که در وسط طغرا، واقع شده، شباهت نزدیک تری با مهر گلابی شکل و دندانه دار شاه سلطان حسین دارد، بدین لحاظ، ممکن است به خاطر احترام و یادکرد تاریخی، از شاهان صفویه که مبدع این گونه مهرها و طغراها بوده اند؛ تاریخ جلوس شاه حسین صفوی را الگو و نمونه قرار داده اند. ۲۸

و اگر با دقت بیشتری بر این تاریخ (۱۱۰۵) نظر کنیم متوجه خواهیم شد؛ که عدد (۵) کمی بالاتر از (۱۱۰) قرار گرفته و نوعی تفکیک بین قسمت اول (۱۱۰) و قسمت دوم، یعنی عدد (۵) صورت پذیرفته، در این وضعیت می توان با محاسبه حروف ابجد عدد (۱۱۰) را معادل نام علی (ع) و عدد (۵) را نیز دلالت بر پنج تن آل عبا (ع) دانست که علی (ع) در میان آنان، محوریت دارند، چون ایشان اولین امام

و مقتدای شیعیان و ادامه دهنده سنت نبی مکرم اسلام (ص) به شمار می آیند. احتمال رمزگونه دیگری که می توان قائل شد؛ این است که عدد (۵) را دلالت بر پیامبر (ص) و چهار خلیفه بعد از او بدانیم که عدد (۱۱۰) نشان از این دارد که علی (ع) پس از رسول اکرم (ص) خلیفه و جانشین بلا فصل او بوده است..... ۲۹ البته مطالبی که گفته شد، برداشت و تأملات نگارنده است، والا ممکن است؛ دلایل مجازی و ابهامی دیگری نیز وجود داشته باشد که در حال حاضر، مشخص و مبرهن نیست. اما به طور حتم، این طغرا به دوران قاجار اختصاص دارد و شاه سلطان حسین و شاهان پیش از آن، چنین مهر و یا طغرای که وصف شمایل آن گذشت؛ نداشته اند.

باری در اطراف همین مهر ترنجی... که از آن یاد شد؛ تعداد یازده مهر دیده می شود، که گلابی شکل و محرابی (و یا گوشواره ای) هستند. پنج عدد از آنان، در سمت راست و پنج مهر از آنها، در سمت چپ قرار دارند. آنکه از همه بزرگتر است، در رأس مهر ترنجی قرار گرفته و سجع آن، سلام و صلواتی است بر خاتم النبیین و سید المرسلین (ص) و در سمت چپ مهر ترنجی... نیز پنج مهر، نقش بسته که اولین آنها، از نظر شکل با بقیه مهرها، قدری تفاوت دارد. این مهرها به نحوی طراحی شده اند که گویی حول محور مهر ترنجی بزرگ، در گردشند و اگر با دقت به مهر ترنجی و مهرهای اطراف او بنگریم؛ در می یابیم که نورهایی از آنها می درخشد و همگی رو به سوی آسمان سر برافراشته و همانند انسانی معتکف، دست نیاز و چشم دعا به عالم بالا دوخته اند.

افزون بر آنچه گفته شد، در بطن کاغذ فرمان نیز "ته نقش یا آب نقش (mark Wather) که همان آرم اختصاصی سازنده کاغذ است، منقش شده است. با قدری توجه به این ته نقش، تصویر فردی احساس می شود که بر مسند تکیه زده و بر پایه این تختگاه، کلماتی لاتین، با قدری فاصله دیده می شود. نگاه این زن یا مرد اسطوره ای، به سوی آسمان و افق های دور دوخته و مجموعه ته نقش نیز به گل و بوته با خطوط اسلیمی آمیخته شده است. ۳۰

پشت فرمان هم مهری است از فتحعلی شاه قاجار، به شکل مربع کوچک کلاهدار، و با سجع مهر: "السلطان فتحعلی قاجار" که از این مهر نیز، تشعشع نورهای رنگی به اطراف و به سوی بالا ساطع شده است. ۳۱

[بازخوانی متن طغرا]

مهرهای محرابی شکل :

- ۱- الله - محمد. سید المرسلین و خاتم النبیین، ابوالقاسم محمد رسول الله، صلی الله علیه و آله و سلم.
- ۲- الملک لله. امیر المؤمنین و یعسوب ۳۲ المسلمین علی بن ابی طالب ولی الله و سلامه علیه.
- ۳- آمن المتوکلون، فاطمة الزهراء بنت رسول الله سیده نساء العالمین صلوات الله علیها.
- ۴- العزة لله. ابوالحسن المجتبی ابن علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام.
- ۵- حسنی الله. ابو عبدالله الحسین بن علی بن ابی طالب سید الشهداء علیه الصلوة والسلام.
- ۶- العزة لله. ابوجعفر محمد بن علی باقر علم الاولین والاخرین علیه الصلوة والسلام.

“سجع مهر ترنجی”

رأس مهر: [یا سنلک الله] ۳۴ بمحمد سید الانبیاء. و بعلى اشرف الاوصیاء. و فاطمة الزهراء الغراء. ۳۵ و بالحسن الصابر فی البلاء. و بالحسین سید الشهداء. و بعلى بن الحسین السَّجَّاد البکاء. ۳۶ و بمحمد علی، باقر علم الانبیاء. و بجعفر الصادق فی الارض و السماء. و بموسى کاظم غیظ الاعداء. و بعلى بن موسی الرضا للولیاء و الاعداء. و بمحمد الجواد ذی النعماء. و بعلى بن محمد الصابر البأساء. و بالعسکری ذی المجد و البهاء. و بالمهدی المنتظر لکشف الأواء. ۳۷

“خطوط و عبارات میانى مهر ترنجی”

[ان نصلى -تقبل -مولانا -ناره) -عليهم اجمعين] - ما شاء الله لا قوة الا بالله
- [السلام عليه] [رضو] من داره العارفين [۳۸]

“بيت فرد”

“گلی که یک ورقش آبروی نه چمن است
نشان خاتم سلطان دین ابو الحسن است”

[توضیح راجع به بیت:]

شاعر این شعر فرد، مشخص نیست. و چون احتمال بیشتری داده می شد که این بیت از سروده های، نشاط اصفهانی، شاعر دوره بازگشت ادبی باشد، با بررسی دیوان و گنجینه شعر او متأسفانه ره به جایی نبردیم. ۳۹ اما امیدواریم که در تحقیقات آتی بدین مهم نایل آییم. با این حال در بیت، نکات و تلمیحات بسیار لطیفی نهفته است که شاعر ناشناخته، با آرایه های زیبا و رمز آمیز ادبی، آنها را ساخته و پرداخته کرده است. سبک شعری این بیت، متعلق به دوره بازگشت ادبی ۴۰ (در عهد قاجار) و وزن عروضی آن بر آهنگ: “مفاعیلن فعلا تن مفاعیلن فعلا تن” تنظیم شده است. ۴۱

در نظر اول، مفهوم و قرینه های بیت، ما را تلمیحاً به یاد عبارت و دعای معروف... “و تسعة المعصومین من ذریة الحسین” معظوف می دارد. ۴۲ چنانچه واژه “گل” استعاره ای است از وجود مطهر فاطمه زهرا (علیها السلام) که چمن هم کنایه ای است، از نه امام معصوم و فرزندانش و ذریه پاک امام حسین (ع) که پس از پدر بزرگوارشان، کرسی و سلالة امامت بر حق شیعه را که از علی (ع)، امام مجتبی (ع)، به سید الشهداء (ع) رسیده است، به دست گرفته و به سنت نبوی (ص) تظاهر مهدی صاحب الزمان (عج الله...) - دوازدهمین - امام همام اثنی عشریه (ع) - بر تاریخ و صفحه روزگار پایدار و استوار خواهند ماند. از این رو با آشکار شدن حقایق استعاری و کنایی مصرع اول، مفهوم حقیقی بیت، با استعانت از هنر شاعری، به شرح زیر دریافت و معنا می شود:

وجود مبارک فاطمه زهرا (علیها السلام) بسان گلی است که یکی از ثمرات و فرزندانش، یعنی امام حسین (ع) - سومین امام معصوم - آبرو، مقام و حیات سلسله امامت اثنی عشریه را برای نه امام بعد از خود، به امانت گذارده و تضمین نموده است. حال این گل که استعاره از صاحب کوثر، فاطمه زهرا (ع) است؛ نامش نشان و نوشته خاتم انگشتری سلطان و آقای دین محمدی، علی (ع) است. ساده تر اینکه: علی بن ابی طالب (ابو الحسن) انگشتری داشته که بر خاتم این



- ۷- حسبی الله، ابواب اھیم موسی بن جعفر الکاظم علیه الصلوٰة والسلام.
- ۸- [الشمس عضدی] ۳۳ ابو جعفر محمد بن علی الثقی الجواد علیه الصلوٰة والسلام.
- ۹- یا حفظ العهود، ابو الحسن بن محمد النقی علیه الصلوٰة والسلام.
- ۱۰- یا شهید الله، ابو محمد الحسن بن علی الزکی العسکری. علیه الصلوٰة والسلام.
- ۱۱- یا صاحب، حجة الله، ابوالقاسم محمد بن الحسن. المهدی، صاحب الزمان. صلوات الله و سلامه علیه.

انگشتی، نام مطهر همسرش. زهرای مرضیه (علیها السلام) نوشته و منقش شده است. ۴۳.

ممکن است در ذهن خطور کند. شاید از "نه چمن" بتوان مفهوم و یا مفاهیم دیگری را نیز برگزید و برای آن پاسخی مناسب دریافت و ارائه داشت. با رجوع به منابع و مأخذ موجود، آگاهی یافتیم که به جز مواردی بسیار اندک عدد نه چه به تنهایی و چه به شکل ترکیبی، فقط دلالت و کنایه از نه سپهر و نه آسمان دارد. ۴۴ و با این تعبیر به شکل: نه بام - نه پایه - نه پله - نه پرده - نه حجره - نه حصار مینا - نه رواق - نه صفحه گردون - نه گلشن - نه فلک - نه کرسی - نه شقه اطلس - نه بهر - نه بال طوطی - نه چوگان - نه خوان - نه خم فیروزه - نه خرگاه - نه خیمه - نه قلعه مینا - نه سقف بیستون و ... در فرهنگ و ادب فارسی به کار رفته است. ۴۵.

اما از جمله شواهدی که نشان می دهد؛ در متون نظم و نثر ما عدد نه در معنی نه سپهر به کار نرفته و در فرهنگ کنایات، ثبت و ضبط است. ترکیب "نه گوهر" یا جواهر تسعه است که برای خود شخصیت مستقلی دست و پا کرده و دلالت بر نه جواهر معروف دارد. البته تا حدودی از این ترکیب نیز همانند سایر ترکیبات یاد شده، می توان مفهوم "نه فلک" را به شکل کنایی احساس کرد. جواهر تسعه یا نه گوهر که از زیباییهای خلقت به شمار می آیند، عبارتند از: لعل، یاقوت، فیروزه، الماس، نیلم، زمرد، ذر، عقیق و مرجان. ۴۶.

بنابراین، با توجه به فرآینی که در بیت وجود دارد و به قدر کفایت هم، به آنها پرداخته شد. بطور حتم "نه چمن" دلالت مستقیم و معنایی با فرزندان حسین بن علی (ع) دارند که پس از او نه مرتبه به مقام ولایت شیعه نایل شده اند.

پیرامون سبک نگارش فرمان

بهرتر است قبل از اینکه به بازخوانی متن فرمان بپردازیم؛ قدری راجع به سبک نثری و نویسنده احتمالی فرمان، مطالب مختصری را بیان کنیم. شواهد امر نشان می دهد که نویسنده دیوانی فرمان، شاعر و نویسنده معروف عهد قاجار و سبک بازگشت ادبی، میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی است که از فنون ادبیه و عربیه و حکمت عقلی و ریاضی و طبیعی متبحر و در نظم و نثر عربی و فارسی و ترکی قادر و متمهر بود و در شعر نشاط تخلص می کرد...

نشاط بسیار مورد توجه فتحعلی شاه بوده است، تا آنجا که سمت ریاست دیوان رسائل را دریافت داشت و به لقب "معمدالدوله" ملقب گردید و از ملازمان خاص فتحعلی شاه قاجار شد؛ به نحوی که بیشتر احکام و فرمانهای رسمی و نامه های خصوصی شاه با انشاء و خط خوش نشاط، تحریر می شد. وی پس از سپری نمودن چند مأموریت سیاسی - نظامی که از سال ۱۲۳۲ تا ۱۲۳۷ ق. به عهده او گذارده شد تا پایان عمر در تهران زیست و در سال ۱۲۴۴ ق. در سن ۶۹ سالگی وفات یافت. ۴۷.

شهرت نشاط بیشتر در شاعری اوست. اما مرحوم ملک الشعرای بهار، سبک نویسندگی نشاط را شیوه ای مابین تاریخ و صاف و گلستان شیخ سعدی می داند و در نثر او، حذف افعال و آوردن فعلهای وصفی، او را مانند میرزا مهدی خان استرآبادی (صاحب دره نادری) می دانسته اند. انشاءهای رسمی درباری و ترسلات نشاط، نسبت به انشای درباری گذشته او، بخصوص دوره مغول، ساده تر است؛ اما نسبت به انشای زمان، مصنوع و متكلفانه است. ولی به

طور کلی می توان نثر نشاط را نمونه سبک نثر دیوانی دوره قاجار شمرد. ۴۸. نشاط اصفهانی علاوه بر هنر شاعری و نویسندگی به حسن خط نیز آراسته بوده است؛ ۴۹ تا آنجا که بعضی از تذکره نویسان خط او را بر خط میر عماد و مجید (درویش عبدالمجید طالقانی) ۵۰، ترجیح داده اند و گفته اند: "سوادش ناسخ خط عماد و مجید است". قائم مقام فراهانی نیز درباره خط او نوشته است: "گاهگاه که دیده التفات به خامه و دوات می کرد، خط شکسته را به درستی سینه اسناد و نستعلیق را به پایه رشید و عماد می نوشت و از نسخ و تعلیق به جایی رسید که یاقوت به بندگی اقرار کند و اختیارش به خواجگی اختیار...". ۵۱.

بایان مطالب مطروح فوق، این گونه برداشت می شود که شواهد کافی تاریخی، ادبی و هنری وجود دارد، تا ما را به این فرضیه نزدیک و مطمئن می کند که بعید نیست؛ متن فرمان به نگارش نشاط اصفهانی قلمی شده، چرا که نویسنده این فرمان، نمی تواند دبیر و فرد عادی بوده باشد و می بایست از همه نظر شرایط تحریر و تنظیم این چنین فرمان سلطانی را داشته باشد. خط فرمان بسیار خوش و زیباست و از نظر نوع خط "شکسته نستعلیق" است که نشاط اصفهانی در این فن نیز تبحر فراوان داشته است. مشخصات نثر فرمان هم شباهت و قرابت نزدیکی با سبک نگارش نشاط دارد. ۵۲ یعنی در عین سادگی، دارای انشایی مصنوع و متكلفانه و مسجع و آهنگین است. حذف افعال را به خصوص در دو سطر اول و آوردن افعال وصفی را در سطور پایانی، کاملاً مشاهده می کنیم. مسجع و کلام آهنگین فرمان در بخش تحمیدیه آن (دو سطر اول) بیشتر به چشم می خورد و کلماتی چون: (لا يزال - متعال) - (اهدای صلوات - ارواح مطهرات) - (خاققین - تقلین) - (خاندان امامت - حضرت احدیت)، در پایان قرینه ها بر این امر صحه می گذارند و از سوی دیگر با استفاده از آرایه لفظی (جناس مشتق) و آوردن کلمات مشتق و هم خانواده، مثل: منظور و انظار، فیض و مقوض، مطاع و مطیع و ... هنر نویسندگی خود را به رخ می کشاند. نشاط در این فرمان توانسته، نثری فی مابین نگارشات دیوانی و نثر مصنوع و ادبی خلق نماید. ۵۳.

همان گونه که می دانیم؛ فرمان مزبور هفت سطر دارد که می توان در یک تقسیم بندی کاربردی، دو سطر اول را بعنوان بخش تحمیدیه (حمد و ثنای پروردگار عالم و رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع))، دو سطر دوم را به عنوان بخش تمجیدیه (تعریف و تمجید از سلطان احمد میرزا) و سطور پایانی را به عنوان بخش اجرایی فرض کرد. ۵۴. با این وصف نویسنده فرمان توانسته، تناسب موضوعی مناسبی را در بخش های مختلف به کار بگیرد و در کل متن، تلفیقی استادانه را بنابر مقتضیات سبکی نثرهای دیوانی، میان لغات و ترکیبات فارسی و عربی، ایجاد نماید. البته این تلفیق متناسب با نثر زمان قاجاریه که در متون تاریخی، تذکره نویسی و احکام دیوانی به کار می رفته، به منصفه ظهور رسیده است. ۵۵.

"بازخوانی متن فرمان"

بعد از حمد پادشاه لا يزال و نعمت رسول پروردگار متعال و اهدای صلوات بر ارواح مطهرات اجداد طیبین و آباء معصومین، صلوات الله علیهم اجمعین، خاققین ۵۶ مطاع، تقلین ۵۷ مطیع از مصدر امامت عظمی و خلافت کبری، صادر و به عز نفاذ مقرون می گردد که چون آثار سعادت و آیات کمال قابلیت از ناصیه احوال و جبهه



اقبال قره باصره دولت و اقتدار و غره ماضیه سلطنت پایدار خانه زاد خاندان امامت و منظور انظار عنایات حضرت احدیت، سلطان احمد میرزا، ظاهر و در مدارج استعداد مقبول خدمت درگاه فیض مظاهر آمده در هذه السنه پیچی نیل خجسته دلیل و ما بعدها خدمت سرکشیکچی باشی سرکار فیض آثار را به مشارالیه عنایت و مفوض داشتیم و پایه اعتبار او را برین خدمت بر خواقین ۵۸ جهان و سلاطین شوکت توأمان افراشتیم که به نوعی که شایان سعادت و سزاوار درایت اوست، به ملزومات خدمت مزبور اقدام و حسن خدمت خود را بر حافظین مرقد مطهر از ملائکه مقرین و خدام سعادت قرین، ظاهر و هویدا سازد و در ازای خدمت مزبور مبلغ چهل تومان فیضی ۵۹ خراسان نقد و هزار و چهل خروار جنس از بابت موقوفات سرکار فیض آثار در وجه مشارالیه عنایت فرمودیم که همه ساله باز یافت و صرف مخارج خود ساخته به لوازم خدمت مزبور اقدام نماید. مقرر آنکه مستوفیان سرکار فیض آثار و خدام روضه سعادت آثار، شاهزاده مشارالیه را سرکشیکچی باشی بالاستقلال و الانفراد؛ دانسته لوازم شغل مزبور را به او باز گذارند و همه ساله نقداً جنس مزبور را رسانیده، معطل ندارند و شرح حکم وحی آثار را ثبت دفاتر ساخته، از شانبه ۶۰ تغییر و تبدیل محروس دانند و در عهده شناسند.

تحریر آفی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۳۹ [ق.]

”سلطان احمد میرزا کیست“

سلطان احمد میرزا معروف به مچول میرزا و ملقب به عضدالدوله، پسر چهل و نهم فتحعلی شاه قاجار است که در روز جمعه نوزدهم ذی قعدة سنه ۱۲۳۹ (ق. / سپتامبر ۱۸۱۹ به دنیا آمد. و در حدود ۸۰ سالگی، به سال ۱۳۱۹ ق. از دار دنیا رفته است. ۶۱ مادرش طاووس خانم، ملقب به تاج الدوله اصفهانی است که گرجی تبار بود و چهل و دومین زن فتحعلی شاه به شمار می رفت. طاووس خانم، از زنان زیبا، محبوب و سوغلی شاه بود و در دربار اجر و قربی فراوان داشت. و همواره در سلک حرم فتحعلی شاه، بر دیگر بانوان، گوی سبقت را ریبوده بود. تاجایی که ”تخت طاووس“ ۶۲ معروف، به نام او نامگذاری و نامبردار شده است، عضدالدوله نیز شاهزاده ای خوش بیان، خوش انشاء خوش طبع و در جوانی از شمایل زیبا، برخوردار بوده است.

وی در طول عمر خود، به حکومت ولایاتی چون: بروجرد، ملایر و تویسرکان، همدان (دوبار)، قزوین (دوبار)، اردبیل (دوبار) و... نایل شد و متعاقب آن، چندی نیز در مشاغلی مانند ریاست در خانه مظفرالدین میرزای ولیعهد و به نایب التولیه و منصب متولی باشی آستان مقدس ثامن الائمه (ع) مفتخر شده است. ۶۳ عضدالدوله در ایام پیری، تقریباً تمام اوقات خود را به مطالعه و تحریر می گذراند و مطالب تاریخی و اشعار زبده بسیار از بر می دانسته و هم اوست که کتاب تاریخ عضدی را در شرح زندگانی اندرونی و خصوصی فتحعلی شاه قاجار تألیف نمود. این کتاب یک بار در هندوستان و بار دیگر در تهران به طبع رسید. ۶۴

عضدالدوله دو برادر تنی، به نامهای: فرخ سیر میرزا نیرالدوله و محمد میرزا

سیف الدوله و خواهران او شیرین جهان خانم، مرصع خانم و خورشید کلاه خانم... بودند. وی سه پسر و یک دختر بنام: ”شمس الدوله“ داشت که به عقد ناصرالدین شاه قاجار درآمد. پسر اولش سلطان عبدالمحمد میرزا سیف الدوله است که به آقای داماد شهرت داشت و در سال ۱۳۳۹ ق. وفات یافت. ۶۵ پسر دومش سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله است که در زمان مظفرالدین شاه به وزارت و صدارت عظمی رسید و در دوره مشروطیت و پس از آن به وزارت داخله و سپس به منصب ریاست الوزرای نایل شد. وی در سال ۱۳۰۶ ش. در هشتاد سالگی وفات یافت. ۶۶ پسر سوم او نیز وجیه الله میرزا سپهسالار بود که در زیاروی معروف و در سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا، حسین خان سپهسالار، این جوان بیست ساله را به همراه برده بود. وی بزودی در دستگاه قاجار ترقی یافت... و در سال ۱۳۱۲ ق. و سال بعد، برای تهنیت شصتمین سال سلطنت ملکه ویکتوریا به لندن رفت... آقاوجیه در سال ۱۳۲۲ ق. درگذشت و در حضرت عبدالعظیم (ع) در مقبره شخصی مدفون گردید. ۶۷

در باره سال تولد سلطان احمد میرزا (عضدالدوله) در برخی منابع اختلاف وجود دارد و در مواردی سال تولد او را ۱۳۳۴ ق. ذکر کرده اند که به استناد کتاب تاریخ عضدی و تاریخ منتظم ناصری، سال تولد او همان سال ۱۲۳۹ ق. بوده است. ۶۸ سپهر در نسخ التواریخ، سلطان احمد میرزا را پسر چهل و هشتم آورده

و تاریخ تولد او را ۱۹ ذی‌قعدة ۱۲۳۴ ق. نوشته^۵ ولی سلطان احمد میرزا خود در تاریخ عضدی تصریح می‌کند که در هنگام مرگ پدر ده سال داشته است. پس تولد وی در [نیمه دوم] سال ۱۲۳۹ ق. صورت پذیرفته است. ۷۰

با این وصف، سلطان احمد میرزا چند ماهه بوده که به میمنت تولد او از سوی پدرش، یکی از مهم‌ترین فرامین تاریخ عهد قاجار و شاید سندی کم‌نظیر از شاهان ایران به او اختصاص داده شده است. البته این موضوع خیلی تعجب برانگیز نیست؛ زیرا که دریافت و تفویض القاب و مناصب مهم درباری و لشکری و کشوری به شاهزادگان کم‌سن و سال قاجار و تعلق موجب بی‌حد و حصر، امری عادی و معمول بوده است که پرداختن به آن نیز بسیار عجیب و غریب و حوصله‌پژوهی خاص خود را می‌خواهد. ۷۱

از سوی دیگر شگفت نیست که چرا چنین فرمان منحصر به فردی را دومین شاه قاجار به سلطان احمد میرزا داده است. ۷۲ آن هم فرمانی که از دیدگاه قداست‌های دینی و مذهبی، ادبی و هنری، در حد کفایت به آن پرداخته و توجه شده است. شاید علاقه وافر که فتحعلی شاه به سوگلی خود، طاووس خانم، مادر سلطان احمد میرزا داشته، برای طیب خاطر او و دلایل دیگری که بر ما آشکار نیست؛ به خلق چنین سندی، فرمان داده است. ۷۳

“منصب سرکشیکچی باشی”

سرکشیکچی باشی / [Sarkesik - ci - basi] [فارسی - ترکی - ترکی ...]، منظور رئیس نگهبانان حکومتی در ولایات؛ رئیس کشیک‌خانه. ۷۴ این شغل از مناصبی است که از عهد صفویه در دربار و میان مشاغل دیوانی، معمول بوده است و در آن دوران با مفهوم “همیشه کشیک” [hamise - kesik]، گروه نظامیان دائمی را می‌گفتند و تحت عنوان تفنگچیان و توپخانه آمده است و این دو صنف در تقویت نگهبانی در دروازه مخصوص کاخ شاه استفاده می‌شده است. با این فرض که معنی دقیق این اصطلاح هنوز مورد تردید است. ۷۵ در کتاب زبده التواریخ آمده است: “در سال ۱۱۳۳ ق. سه هزار غلام حبشی “همیشه کشیک” همراه اسماعیل خان زاده در قشون کشی به مشهد رفتند و جیره روزانه داشتند. ۷۶ همان گونه که اشاره شد: “کشیک [kesik]؛ (یعنی، انجام وظیفه کننده، در نوبت خود به ویژه در شب)، واژه‌ای است (ترکی - مغولی) و با کلمه فارسی (سر و ترکی؛ چی و باشی) ترکیب شده و معنای رئیس نگهبانان سلطنتی و حکومتی را در بر دارد. ۷۷ این منصب و واژه متبوع آن، تا اواخر حکومت قاجار نیز کاربرد داشته است. چنانچه در روزنامه کاوه در این باره آمده است: “میرزا محمد نیریزی را... مقرب الخاقان سرکشیکچی باشی... هدف گلوله تفنگ ساخته تیرباران کرده.” ۷۸

شاهد مثال‌های دیگری نیز در متون و اسناد عهد قاجاریه به کار رفته که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: “(ظل السلطان) سی هزار سوار و پیاده به سرداری شاهزاده امام ویردی میرزای سرکشیکچی باشی شاه مرحوم... به استقبال محمدشاه فرستاده...”

“فیما بین سردار دوم... با سرکشیکچی باشی به پاره‌ای [اجهات و عبور و مرور مردم بروندی حاصل شده.”

“افرمانفر ما [سرکشیکچی باشی خود را با غلامهای ابواب جمعی خود، روانه فرمودند؛ نزد داراب خان.”

“جناب علاءالدوله وزیر دربار اعظم و سرکشیکچی باشی را با لقب امیر نظامی... مأمور آذربایجان فرمودند.”

“بندگان اقدس همایون... سواران جمعی امیربهداد جنگ، سردار و سرکشیکچی باشی، را در میدان اسبدوانی دوشان تپه سان دیدند.” ۷۹

“اشاره پایانی”

آنچه که در این مقاله گفته و نوشته شد، حاصل نقطه نظرات پژوهشی است که نزدیک به یک سال، با آن دست به گریبان بوده‌ام و برای رسیدن به این اظهار نظر که از مباحث علم‌سندشناسی است؛ لازم بود مطالعه، بررسی و تطبیق منابع مکتوب و اسناد آرشیوی و تجربیات چندین ساله را به کار می‌گرفتم تا بتوانم طرح مسأله “بازخوانی” یک چنین فرمانی را بازگو و به سر منزل مقصود برسانم. آن هم به شیوه‌ای که شاید مناسب حال تحقیقات اسنادی و احکام سلطنتی و تاریخی بوده باشد.

محوری‌ترین مبحث مقاله، بحث پیرامون مجموعه مهرهایی بود که مزین به نام چهارده معصوم (ع) بود و با توجه به دلایلی که اقامه داشتم. همچنان معتقدم شواهد امر بر این حقیقت تکیه دارند که ترکیب کاربردی این مهرها در نهایت تشکیل طغرایی را داده‌اند که از نظر شکل ظاهری و تعریف شده؛ مهرند، اما در عمل و هدفی که در به کارگیری آن مدنظر بوده، طغرایی این فرمان محسوب می‌شود. زیرا فتحعلی شاه به احترام اهل بیت (ع) مهری کوچک از خود را در پشت فرمان حک نموده و فقدان طغرا، در فرمانی با این اهمیت، ذهن را به این مطلب رهنمون می‌سازد که سازندگان آن، مهری ساخته‌اند که به خاطر پیچیدگی و مضامین درونی اش و طیف طغرا را برای این فرمان منحصر به فرد به انجام برسانند.

نکته دیگری که اشاره به آن را لازم می‌دانم، پرداختن به این موضوع است که احتمال داده‌ام متن فرمان و خط و انشای آن، از آن نشاط اصفهانی است و این مطلب را به عنوان یک فرضیه تاریخی - ادبی که مربوط به تاریخ ادبیات این مرز و بوم است؛ البته با دلایلی معمول که برای آن اقامه داشتم، مطرح و ارائه نمودم. و به طور معمول و متعارف به آن اعتقاد دارم. امیدوارم که در این راه موفق بوده باشم. ۸۰

پی‌نوشتها:

۱- این بیت فرد، در قسمت میانی مهر تونجی و دندانه دار فرمان مورد پژوهش ما، قرار گرفته، شاعر بیت مشخص نیست و در جای خود به قدر کفایت، راجع به مفاهیم لفظی و معنایی بیت سخن خواهیم گفت.

۲- در این زمینه، ر. ک: غلامرضا فدایی عرفانی، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی، تهران، سمت، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷ - ۱۳۹

۳- ک: نقش اسناد آرشیوی در پژوهش‌های تاریخی و توسعه... محسن روستایی، خبرنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، دوره دوم، شماره ۱۰۰، شهریور ۱۳۸۳، ص ۱۴ و ۱۵.

۴- این فرمان از اسنادی است که نمونه تصویر آن، در اتاق تحقیق مدیریت محترم خدمات آرشیوی و اطلاع‌رسانی سازمان اسناد ملی... نصب و در معرض دید مراجعین، پژوهشگران قرار گرفته، و در سال ۱۳۸۲، به مناسبت روز اسناد ملی، این سند، به عنوان طرح انتخابی سازمان، به شکل پوستر، تزیین یافت و در چند صد نسخه چاپ و در اختیار مراکز آرشیوی داخلی و خارج از کشور قرار گرفت. کد و محل در آرشیو سند نامبرده (جزو مجموعه فرامینی است که) در مخزن و آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران نگهداری می شود.

۵- کلمه فرمان، به مفهوم کلی به دستنویسی گفته می شود، که دستور و حکم و امر پادشاه باشد. این نوع سند، در همه ادوار به کار می رفته و به کلیه اقسام نامه ها و اسناد دیوانی اطلاق می شده است. اما از نظر علم سندشناسی، معروفترین و کاملترین شکل فرمان، بخصوص در دوره قاجاریه، دارای مشخصات و اجزایی بوده که اصلی ترین آنها را برمی شماریم: ۱- از سوی شاه صادر شده باشد. ۲- دارای مهر مخصوص شاه باشد. ۳- معمولاً فرمان، توفیق و طغری دارد که نشان مخصوص شاه است. ۴- به طور حتم فریب به اتفاق فرامین تحمیدیه دارند که عبارت است: از حمد و ثنای خدای تعالی ... که در آغاز و در بالای فرامین، و یاد یکی دو سطر اول فرمان آورده می شود. ۵- هر فرمان دارای مطلع و خاتمه است که در بخش (خاتمه) دستور، توصیه و سفارش به عمال دولت، برای اجرا، صادر می شود. ۶- در ظهر فرامین، مهرها و خطوط پیچیده ای دیده می شوند که نشانگر ثبت شدن فرمان، در دفتر دیوان اعلی و دفتر استیفا و ... می باشند. (نگارنده) و نیز در این زمینه، ر. ک: ده فرمان از عصر فتحعلی شاه، سوسن اصلی، مجله تاریخ، سال سوم، شماره سوم، ۱۳۸۱، ص ۹۳.

۶- در این زمینه ن. ک: سید تقی نصر، ایران در بر خورد با استعمارگران از آغاز قاجاریه تا مشروطیت، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۳، ص ۱۹۸-۱۸۷ و نیز، ر. ک: احمد تاج بخش، سیاستهای استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران، تهران، آفتاب، ۱۳۶۲، ص ۲۲۵-۲۱۷.

۷- برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ر. ک: سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران، انتشارات بنیاد، ص ۱۰۲-۹۹ و نیز، ر. ک: علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، علمی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۱-۱۱۶.

۸- فتحعلی شاه قاجار، در دوران حکومت ۲۸ ساله اش، احکام و فرامین فراوانی را صادر کرده است. نگارنده، از طریق منابع و بررسی اسناد مراکز آرشیوی، به این نتیجه رسید که جز فرمان مورد پژوهش ما، فرمان دیگری از او به این شکل و شمایل، به جای نمانده است. این مطلب در مورد رقم ها و احکام عباس میرزا نایب السلطنه و شاهان پس از او نیز صادق است، به نظر می آید، فرمان مزبور با شاخصه طغری و مهرهای منقش یافته اش، به نام نامی، ائمه اطهار (ع) - برای اولین و آخرین بار، در تاریخ ایران، مشاهده و ثبت و ضبط شده است. (برای اطمینان بیشتر در این زمینه، ر. ک: رضا فراسی، فرمانها و رقم های دوره قاجار، تهران مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۲۸۶-۲۴۳ و نیز ن. ک: ده فرمان از عصر فتحعلی شاه قاجار، همان، ص ۱۰۸-۹۵.

۹- البته از نادر شاه افشار هم مسج مهری به جای مانده که ارادت او را به اهل بیت (ع) نشان می دهد. اما این مسج مهر، به قوت مهرها و طغریهای دوره صفویه، مورد استفاده قرار نگرفته است، در دوره نادر، از توفیق و مسج مهر: مظهر لطف الهی نادر است بیشتر بهره می گرفته اند. مسج مهر شیعه مدار نادر بدین مضمون بوده است:

نادر عصم ز لطف حق، غلام هست و چار
لافتی الاعلی لا سیف الا ذوالفقار

البته علاوه بر نادر شاه، عادل شاه (۱۱۶۱-۱۱۶۰ ه) مهری با توفیق مسج الملک الله + بنده شاه و لایب علی + یا شاهرخ شاه (۱۲۱۰-۱۱۶۱ ه. ق. ۴ مهری مربع شکل و کلاهک دار داشته، باین مضمون:

بسم الله + آنکه باشد کلب سلطان خراسان، شاهرخ
بر درش ساید همی هر روز و هر شب ماه، رخ

باین وصف، با غور و بررسی در فرامین، احکام و رقم های دوره افشار و زندیه و حتی قاجاریه، دیده نمی شود که مهر و یا طغری دارای توفیق و مسج مهری باشد که مضمون و درون مایه آن، مزین به نام و القاب تمامی چهارده معصوم (ع) بوده باشد. بلکه در همان حدی بوده که به گو شاهی از آن اشاره شد. (برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ر. ک: جهانگیر قائم مقامی، مقدمه بی بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، ص ۲۸۴-۳۷۷.

۱۰- در این زمینه، ر. ک: مهرهای پادشاهان صفویه، حکیمه امیری، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال ششم، شماره ۸ و ۹، خرداد و تیر ماه ۱۳۸۲، ص ۱۲-۱۱ و نیز ن. ک: هریوت بوسه، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ترجمه غلامرضا هرام، تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۳۲۸-۲۶۹.

۱۱- ر. ک: مهرها، طغریها و توفیق های پادشاهان ایران از ایلخانیان تا پایان قاجاریه، جهانگیر قائم مقامی، مجله بررسیهای تاریخی، سال چهارم، شماره ۲ و ۳، خرداد - شهریور، ۱۳۴۸، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.

۱۲- همان منبع پیشین، ص ۱۳۸.

۱۳- ن. ک: جهانگیر قائم مقامی، مقدمه بی بر شناخت اسناد تاریخی، همان، ص ۳۶۵-۳۶۴.

۱۴- سیوزومز: فرمان ماه سخن ما.

۱۵- ر. ک: جهانگیر قائم مقامی، منبع پیشین، ص ۱۹۲.

۱۶- همان منبع، ص ۱۹۳.

۱۷- برای نمونه در این زمینه، ن. ک: به دو فقره فرمان، از شاه عباس ثانی، (از جنب المرجب سنه ۱۰۷۳) و شاه سلیمان (محمود الحرام سنه ۱۰۸۸ ق.) که مضمون این فرامین، درباره "وجوهات و مواجب ارامنه جلفاست ... و نیز ن. ک: آخرین فرمان ناصرالدین شاه قاجار درباره معافیت صنوف قصابان و خیازان، از پرداخت مالیات و ... " او وجود در آرشیو، س. اسناد... شماره تنظیم ۱۸۳۸۲۹۶ از ۴ آذر ۱۸۳۸.

۱۸- درباره نمونه فرمانهای افشاریه، ن. ک: فرمان نادر شاه به عاشور خان، حاکم ایبورد، مینی بر واگذاری آب و زمین به جماعت افشار... (موجود در آرشیو س. اسناد، ش. تنظیم ۱۴۰۰۳ شماره کارت: ۱۰۵) - فرمان اعطای کدخدایی ایل صوفیانلو به شاهرودی بیک (همان، شماره تنظیم: ۱۰۸۰۰۰۲ شماره کارت ۱۳۲) - فرمان نادر شاه در مورد انتصاب میرزا حسین ضابط سابق نظیر به حکومت یزد (همان، شماره تنظیم ۱۸۰۰۰۲ شماره کارت ۱۳۳) اشاره اینکه: در فرمانهای منظور نظر، همان طغری معروف "عوز بالله تعالی شاه فرمان عالی شد نقش بسته است.

۱۹- محمد میرزا، در آن هنگام بیست و هشت ساله بود و در آذربایجان به سر می برد، چرا که فتحعلی شاه به پاس خدمات عباس میرزا، منصب ولایتعهدی و حکومت آن ولایت را به فرزند ارشدش محمد میرزا سپرده بود... (برای آگاهی بیشتر، ر. ک: عبدالحسین نوبی، ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری، تهران، مؤسسه نشر هما، ۱۳۶۹ ج دوم، ص ۳۲۰.

۲۰- ر. ک: جهانگیر قائم مقامی، مقدمه بی بر شناخت اسناد تاریخی، همان، ص ۱۹۶.

۲۱- افزون بر آنچه گفته شد، نگارنده در مسیر تحقیق، به متن استنساخ شده یک فقره فرمان از فتحعلی شاه و دو فرمان از محمد شاه قاجار، دسترسی یافت که طغری این فرامین، عبارتند از: "آمر لاله العلی العظیم" که معلوم می شود، استفاده از این طغری نیز موقتی بوده و به طور معمول در فرامین به کار نرفته است. متأسفانه اصل فرمان و یا تصویر آن، از نزدیک دیده نشده. شاید اگر این امر میسر می شد، با اطمینان بیشتری راجع به آن سخن می گفتیم. (برای آگاهی بیشتر، ر. ک: پنج فرمان تاریخی، مجله بررسیهای تاریخی، همان، ص ۷۴-۷۰ شامل: فرمان فتحعلی شاه مبنی بر وکالت و سرپرستی محمد حسین بیگ، بایوردی در قراجه داغ (از سیران) - فرمان محمد شاه قاجار در خصوص توفیق منصب غلام یسنخدمتی، به حاجی جامی بیگ بایوردی و ...

۲۲- در بررسی و دقتی که نسبت به طغری معروف سلسله قاجار به عمل آمد (الملک الله تعالی، حکم همایون شده) این نتیجه حاصل شد که به نظر می آید کلمه (شاه) هم در خطوط پیچیده این طغری وجود دارد. هر چند که تقریباً تمامی و اکثر قریب به اتفاق محققین و اهل فن، توفیق طغری را بدون، کلمه (شاه) خوانده اند. اما آنچه که نظر نگارنده را به واقعیت نزدیک می کند: باز خوانی گزیده فرامین و احکامی است که اسناد مرحوم دکتر محمد اسماعیل رضوانی در چندین سال پیش استنساخ فرموده اند و ایشان نیز کلمه (شاه) را در خطوط طغریهای فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه، خوانده و ملحوظ داشته اند. باین وصف، چون هنوز در این زمینه اطمینان کافی وجود ندارد، این کلمه فعلاً در قلاب [اقرار گرفت تا پژوهش های آتی ... (برای تطبیق و آگاهی از مطالب مطروحه، ر. ک: محمد اسماعیل رضوانی، گزیده فرمانها... تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶، ص ۷ و ۹ صص ۴۲-۱۵).

۲۳- همان گونه که در متن مقاله هم اشاره شد، تحمیدیه، در لغت به معنی مخالفت کردن در حمد و نیک ستودن و پی در پی ستایش کردن است و در اصطلاح علوم ادبی، به معنی بسیار حمد گفتن از برای خدا و ذکر نام و ادای احترام است. به پیامبر اسلام محمد مصطفی (ص) و در صدر خطبه ها و دیباچه کتابها و نامه ها... به کار می رفته است. در مکاتبات درباری و دیوانی، تحمیدیه به صورت: هو، بسم الله از حسن الزحیم، هو الله تعالی شاه، الملک الله و امثال آن در بالای فرمانها و نامه ها قرار می گرفت... گاه در دوره صفویه به تحمیدیه عنوان می گفته اند و برای هر یک از انواع دیوانیات نوع خاصی از تحمیدیه به کار می رفته است. همچنین رنگهای مختلف در نگارش تحمیدیه ها شایع بوده است. در زمان بین ایلخانیان و صفویه از مرکب سیاه، دوره صفوی از آب زر و در دوره قاجاریه نیز از آب زر استفاده می شد. نقل است که برای نخستین بار نوشتن تحمیدیه در صدر نامه ها بوسیله عبدالحمید بن بیتی (مقتول به سال ۱۱۳۲ ه. ق.) کاتب مروان معمول گردید و از آن پس رفته رفته با صورت های گوناگون به کار رفته است... (ن. ک: غلام ضاستو ده - محمد باقر نجف زاده با روش، تحمیدیه

در ادب فارسی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵، ص ۷۰ و ۷۱. نیز ذبیح الله صفا، تاریخ در ادبیات ایران، تهران، فردوس، ۱۳۶۷، ج اول، ص ۱۸۳ و ۱۸۴. نیز ن. ک. فدایی عراقی، همان، ص ۱۴۱.

۲۶- از فتحعلی شاه قاجار چندین مهر دیگر نیز به جای مانده که از آن جمله اند: ۱- قبل از سلطنت، باسج: "عبده الراجی باباخان" ۲- زمان سلطنت: مهر چهار گوش، باسج: "لا اله الا الله الملك الحق المبين، عبده باباخان" ۳- مهر گلابی شکل، باسج: "الغرة لله شاه شاهان جهان فتحعلی" ۴- مهر چهار گوش، باسج: "السلطان فتح علی" ۵- مهر پنج گوش کلاهک دار، باسج: "زینت خاتم جم فتحعلی ظل حق سلطنت او ازلی" ۶- مهر گلابی شکل، باسج: "السلطان فتحعلی شاه قاجار و ... (در این زمینه، ن. ک. مهر های شاهان قاجاریه" رضا فراسی، مجله تاریخ معاصر ایران، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۰، ص ۱۶۷-۱۶۵.

۲۵- در این زمینه، ن. ک. احمد خاتمی، شرح مشکلات تاریخ جهانگشای جویینی، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشارات پایا، ۱۳۷۲، ص ۱۴۱.

۲۶- مطلب بند اخیر، برداشتی است از بحث: فرمانیسی، محتوای فرمانها، اجزای سند و ... از کتاب پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، همان، ص ۳۶-۳۳ و ص ۷۰-۴۰.

۲۷- برای رویت و آگاهی از شمائل ظاهری و حد و اندازه فرمان، ر. ک. سید حسن شهرستانی، جلوه های هنر ایرانی در اسناد ملی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۱، ص ۶۷.

۲۸- همان گونه که در متن مقاله هم اشاره شد، در مورد کشف معمای عدد و تاریخ (۱۱۰۵ ق.) که تصادفاً سال جلوس شاه سلطان حسین صفوی هم می باشد، نگارنده فقط بر داشت تاریخ و سایر دانشهای غربیه منجمده شود، راز و رمزهای فراوانی از آن ساطع می گردد. در ضمن برای تطبیق مهر های یادشده، ن. ک. مجله بررسی های تاریخی، همان، ص ۱۲۵، شکل ۳۳ که نشان می دهد جعفر مهر ترنجی و دندانه دار طغرای مزبور، باسج مهر شاه سلطان حسین صفوی از نظر شمایل ظاهری و درونی شباهت دارد.

۲۹- در این زمینه، ر. ک. گفتار ماه در نمایاندن راه راست دین، تهران، کتابفروشی صدوق، ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۱۳۲-۱۳۱.

۳۰- نوشتار نه نقش، باز حجت خوانده شد و واژه یونانی "لاوارهان" آو گیس لیوتوی "آبه احتمال فرانسه" حاصل برداشت نگارنده است.

۳۱- سجع مهری که از فتحعلی شاه در ظهر فرمان، منقش شده، با هیچ کدام از مهر های معروف او که تا به حال در منابع معرفی شده اند، مطابقت ندارد، چرا که مهر منظور نظر چهار گوش و کلاهک دار است و سجع آن با مضمون "السلطان فتح علی قاجار" مشخص شده است. با این وصف این مهر تا حدودی به شکل شماره ۱۶ از مهر های فتحعلی شاه که توسط آقای فراسی، در مجله تاریخ معاصر ایران، (شماره ۱۷، اسال ۱۳۸۰) ص ۱۶۶ معرفی و به چاپ رسیده، شباهت نزدیکی دارد. اما نگارنده همچنان معتقد است این مهر از مهر های پنهان و نویافته فتحعلی شاه قاجار به شمار می آید.

۳۲- یعسوب: مهتر مردمان، یعسوب الدین و یعسوب المؤمنین؛ لقب مرتضی علی (ع) چرا که در هنگام خلافت آن حضرت تمامی مؤمنین و صادقیان در هر امر تابع و پیرو آن جناب بودند. ر. ک. لغت نامه دهخدا، جلد چهاردهم، چاپ اول از دوره جدید، پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۱۰۴۱ و نیز ن. ک. محمد پاشا متخلص به شاد، فرهنگ آندراج، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، خیام، ۱۳۳۵، ج ۷، ص ۴۶۷۳.

۳۳- عبارت فقط محض امانت و احتیاط داخل قلاب گذاشته شد.

۳۴- همان مطلب پیشین.

۳۵- الغراء: منسوب به آفتاب و روشنائی.

۳۶- البکاء: بسیار گریه کننده.

۳۷- الاواء: پناهگاه افراد...

۳۸- مناسفانه خطوط معانی مهر ترنجی بسیار کم رنگ و ریختگی داشت و حتی بارویت اصل فرمان هم، کمکی به خواندن صحیح آنها نشد. بنابراین برخی از کلمات و عباراتی که داخل قلاب [اقرار داده ایم] به خاطر حفظ امانت در پژوهش مورد نظر است. امیدواریم که در فرصت های آتی، اشکال حداقلی که در خواندن این قسمت وجود دارد، اصلاح شود.

۳۹- برای بررسی اشعار نشاط، ر. ک. گنجینه دیوان نشاط اصفهانی، به کوشش حسین نخعی، تهران، مؤسسه مطبوعات شرق، ۱۳۳۷، ۳۵۸ صفحه.

۴۰- نهضت باز گشت ادبی شعر فارسی، در واقع اعتراضی بود؛ علیه افراط کاریهای سبک

هندی در مغلط گویی و پیچیده سربانی که برای رهایی از این وضعیت شاعران قدم به قدم به سبکهای کهن فارسی گرایش یافتند و ابتداء به سبک عراقی (قرن ۹-۱۰ ق.) و سپس به سبک خراسانی (قرن ۴ و اواخر قرن پنجم)، توکل جستند. اگر به دیده دقت به این مکتب ادبی بنگریم، این دوره به سه مرحله قابل تقسیم است:

الف - دوره اول - زمان افشاریه و زندیه، ب - دوره دوم، نیمه اول دوره قاجاریه یعنی زمان اقامه محمدخان و فتحعلی شاه تا واسط سلطنت محمدشاه قاجار، ج - دوره سوم، نیمه دوم قاجاریه، یعنی اواخر دوره محمدشاه، تمام دوره پنجاه ساله ناصری و اوایل سلطنت مظفرالدین شاه تا انقلاب مشروطیت. همان گونه که اشاره شد شاعران این دوره در سرودن اشعار خود، از شاعران سبک خراسانی تقلید می کردند و ابتکاری در راه شعر و شاعری از خود بروز ندادند. اما تر جیح بند عرفانی و بسیار مشهور و زیبای هاتف اصفهانی بابت تر جیح:

که یکی هست و هیچ نیست جز او
وحده لا اله الا هو

از شاخصه های سبکی این دوره به شمار می آید. نشاط اصفهانی، قاتنی، یغمای حندی، آذربیدگانی و ... از جمله شاعران معروف سبک باز گشت ادبی به شمار می روند. آن، ک. احمد خاتمی، تاریخ ادبیات ایران در دوره باز گشت ادبی، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا، ۱۳۷۳، ص ۲۲۸-۱۹۷.

۴۱- این بیت: به لحاظ موسیقی عروضی در بحر مجتث منعم مخبون اصلم می باشد. سعدی شیراز در همین وزن، سروده است:

"اگر تو فارغی از حال دوستان یارا

فراغت از تو میسر نمی شود ما را

به دوستی اگر زهر باشد از دست

چنان به ذوق و ارادت خورم که حلوا را"

در این زمینه، ن. ک. محمد حسین کرمی، عروض و قافیه در شعر فارسی، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸.

۴۲- این دعا از عبارات ادعیه مأثوره نیست، اما در میان شیعیان با پشتوانه (حدیث کساء)، بسیار رواج دارد، و از اهل بیت، اظهار شفاعت می نمایند. بشکل کامل تر، این دعای بدین شرح است:

"اللهم بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين و تسعة المعصومین، من ذریة الحسن علیه و علیهم السلام".

۴۳- اینکه علی بن ابی طالب (ع) انگشتی داشته که نشان خاتم آن، نام مطهر فاطمه زهرا (ع) بوده، در افواه و به نوعی در اعتقادات شفاهی شیعه ساری و جاری است. درباره سندیت این موضوع با چند تن از علمای اعلام و حدیث شناسان محترم مشورت نمودم، آنان نیز طبق منابع موجود، حدیثی در این زمینه پیدا نکردند.

۴۴- در این زمینه، ر. ک. فرهنگ بزرگ سخن، به سرپرستی حسن آثوری، تهران، سخن، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۸۰۶۱-۸۰۵۷ و نیز ن. ک. منصور نژاد، فرهنگ کنایات، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴، مدخل (آه و ترکیبات آن) و نیز ر. ک. ابوالفضل مصفی، فرهنگ اصطلاحات نجومی، تهران، موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۷، ص ۸۱۲-۸۰۷.

۴۵- برای آگاهی بیشتر، ر. ک. محمد امین ادیب طوسی، فرهنگ لغات ادبی، تهران، موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، شماره ۱۷، ۱۳۵۰، مدخل (آه همراه با ترکیباتش).

۴۶- ر. ک. محمد پادشاه، متخلص به شاد، فرهنگ مترادفات و اصطلاحات، زیر نظر بیژن ترقی، تهران، خیام، ۱۳۴۶، ص ۴۱۱-۴۱۰.

۴۷- گفتنی است که ماده تاریخ نشاط اصفهانی را این گونه ساخته اند: از قلب جهان نشاط رفته (در این زمینه، ر. ک. سید احمد دیوان یکی شیرازی، حدیقت الشعراء، ادب و فرهنگ در عصر قاجاریه، با تصحیح و تکمیل و تحشیه عبدالحسین نوانی، تهران، زرین، ۱۳۶۶، ج سوم، ص ۱۸۷۳-۱۸۷۱) و نیز ن. ک. رضایی خان هدایت، مجمع الفصحاء، ج ۶، ص ۱۰۵۴.

۴۸- ن. ک. یحیی آریانپور، از صبا تا نیما، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۱، ج اول، ص ۳۶۱-۲۹۰ و نیز ر. ک. محمد تقی بهار (ملک الشعراء)، سبک شناسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۷، ج سوم، ص ۳۳۲.

۴۹- میرزا محمد حسین سیفی قزوینی، ملقب به عمادالکتاب و معروف به میر عماد، از استادان خوش نویس خط نستعلیق و مروج کتابچه های رسم المثنی، وی در قزوین به سال ۱۲۸۵ ق. متولد شد و بیشتر عمرش به کتابت و تعلیم خط نستعلیق گذشت. از جمله کارهای او کتابت نسخه شاهنامه معروف به "امیر بهادری" است، که در تهران به چاپ رسیده است...

۵۰- در ویس لقب و شهرت عبدالمجید طالقانی خطاط مشهور است. وی در خط شکسته مانند میر عماد در نستعلیق استاد بوده است و این خط را به پایه ای رسانید که تاکنون کسی بدان نرسیده است برسد...

۵۱- ن. ک: احمد خانمی، تاریخ ادبیات ایران، همان، ج اول، ص ۲۵-۲۳

۵۲- نگارنده، چندین فرمان از فتحعلی شاه را از نزدیک تطبیق و تشخیص داد، نویسنده و خطاط همگی آنان یکی است و خط آن فرمائیهاییه، فرمان مور و پیزو هشت ماست. باین تفاوت که خط فرمان مور پیزو هشت، هجری تو و از طرفت بیشتری برخوردار است. از نظر تاریخی هم فرامین به گونه ای انتخاب و تطبیق شدند که با شرایط تاریخی نشاط و حضور او در دربار، همگون باشد. (در این خصوص، ر. ک: به دو فتره فرمان فتحعلی شاه قاجار که یکی از این فرامین، در خصوص دریافت وجه مستبری است که در سن ۱۲۴۴ ق. به محمد مهدی میرزا معروف به حاج آقا بزرگ منجم ناشی و فرزند او محمدعلی میرزا صادر شده که این و چون، توسط عبدالرضا ضاحان، بیگلربیگی دارالعباده بزده به آنان پرداخت شود.)

۵۳ در این زمینه، ن. ک: سزاده شفق، تاریخ ادبیات ایران، شیراز، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، ص ۲۵۶

۵۴ معمولا در بخش خانمه فرمان، شاه با دستور و توصیه، مستوفیان و منشیان و حکام و... را موظف می دارد که حکم و فرمان او را به موقع اجرا بگذارند و در عهده شناسند. بنا بر این اصطلاح آجرویه باین دهنیت انتخاب و به کار برده شد.

۵۵ ن. ک: سزاده شفق، همان.

۵۶- خاققین: مغرب و مشرق.

۵۷- تقلین: منظور مردمان و جن و انس است.

۵۸- خوافین: جمع خاقان، یعنی پادشاه بزرگ و از لغات ترکی و لقب فتحعلی شاه قاجار بوده است.

۵۹- قضی: سیمین و نقره ای (نقره رایج).

۶۰- شانیه: عیب، آمیختگی چیز بد در چیز بهتر.

۶۱- ن. ک: عضدالدوله سلطان میرزا تاریخ عضدی، با توضیحات و اضافاتی از: عبدالرحیم نوبی، تهران، بابک، ۲۵۲۵، ص ۲۲۲ و ۲۲۳

۶۲- تخت طاووس و تخت زرین و جواهر نشان معروف دربار سلطنتی ایران، در کاخ گلستان، بنا بر معروف این تخت، همان تخت شاه جهانی یا تخت طاووس شاه جهان این جهانگیر امیر اطور مغول هند است که نادر شاه افشار، پس از فتح دهلی (۱۷۵۲ ق.) آن را با خود به ایران آورد و نیز نوشته اند که نادر در بازگشت به ایران دستور ساختن تخت دیگری (تخت نادری) را داده است. اما ظاهر این روایت صحت ندارد و تخت طاووس کنونی که در آغاز تخت خورشید نام داشت - به امر فتحعلی شاه قاجار در اصفهان ساخته شد و قبل از نوروز ۱۲۱۶ ق. به تهران حمل گردید. و این تخت در دوره قاجار بنام طاووس خانم و زوجه محبوب فتحعلی شاه «تخت طاووس» نامیده شد. سر نوشت تخت طاووس شاه جهان معلوم نیست به روایتی پس از کشته شدن نادر، تخت طاووس و تخت نادری بدست کر دان خراسان قطعه قطعه شد و به روایت دیگر چون حمل آن دشوار بود به نادر نادر قطعه قطعه شد و به مصرف مخارج جنگهای وی رسید. تخت معروف به تخت نادری، تختی است کوچک و در سال ۱۳۳۹ ش. از تالار گلستان به خزانه بانک ملی ایران، منتقل می شود... (در این زمینه، ر. ک: غلامحسین مصباح، دایرة المعارف فارسی (مصاحب)، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۱۸)

۶۳- ن. ک: مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، زوار، ۱۳۶۳، ج دوم، ص ۱۷۳ و ۱۷۴ و نیز ر. ک: فضل الله حسینی شیرازی، تذکره خاوری، به تصحیح میر هاشم محدث، زندگان، ۱۳۷۹، ص ۳۸

۶۴- این کتاب در باب سه پادشاه نخستین سلسله قاجاریه، آقامحمدخان، فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار است، که در سال ۱۳۰۵ ق. توسط سلطان احمد میرزا نوشته شده و در سال ۱۳۵۳ در تهران به طبع رسیده است.

۶۵- ن. ک: عضدالدوله سلطان میرزا تاریخ عضدی، همان.

۶۶- ر. ک: به شرح حال عین الدوله: پرویز افشاری، صدر اعظم های سلسله قاجاریه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۲-۲۳۴

۶۷- ن. ک: دوستعلی خان معیر الممالک، رجال عصر ناصری، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، ص ۸۸-۹۲

۶۸- در کتاب منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۶۲۴ و ۱۶۷۵، آمده است: سلطان احمد میرزا، ملقب به عضدالدوله است، جمعه نون دهم ذی قعدة هزار و دو بیست و سی و نه متولد شد.

عضدالدوله سلطان احمد میرزا به حکومت بر و جردسرافت شدند.

۶۹- ر. ک: محمدتقی لسان الملک سپهر، ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه، به اهتمام جمشید کیفی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ج اول، ص ۵۴۳ و ۵۴۴

۷۰- مرگ فتحعلی شاه در نوزدهم جمادی الآخر سال ۱۲۵۰ ق. در ۶۳ سالگی بوده است. سلطان احمد میرزا در بخش سبب تألیف کتاب تاریخ عضدی می نویسد: اگر چه هنگام اقول اختر سلطنت پدر تاجدار خود، بیش از ده سال نداشتم، لکن هر چه در آن زمان دیده و در نظر بود یاد در مدت عمر خود از بزرگان قوم دگوار و اناثا شنیده بودم در این مختصر تحریر نموده...

۷۱- در مورد آگاهی از چگونگی دریافت القاب و امتیازات، ر. ک: روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج اول، به کوشش: مسعود ساآور - ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴، ص ۵۸۱ و ۶۹۸ و ۸۵۱ و نیز ن. ک: به محبت لقب، مندرج در کتاب: شرح زندگانی من نوشته عبدالله مستوفی، ج اول، ص ۲۴۳-۲۴۹

توضیح اینکه: نقل است: میرزا حسن مستوفی الممالک، قبل از آنکه به سن بلوغ برسد، در سن هشت سالگی به منصب مستوفیگری رسیده است. و کامران میرزا، پسر سوم ناصرالدین شاه، در سن شش سالگی به جای فیروز میرزا نصرت الدوله (فرمانفر ما) به معاونت پاشاخان امین الملک، حاکم تهران شد. و در سن یازده سالگی به منصب نیابت شاه و فرماندهی کل قوا (سر دار کلی) او در سن سیزده سالگی به او لقب نایب السلطنه و امیر کبیر داده شده است. (در زمینه، ر. ک: حمید نیری، زندگینامه مستوفی الممالک، تهران، وحید، ۱۳۶۹، ص ۱۳۳-۱۳۶ و نیز ر. ک: مدخلی کامران میرزا، مندرج در رجال بامداد، همان، ص ۱۲۹ و ۱۵۰)

۷۲- فراموش نشود که نگارنده، برای اینکه اطمینان نماید، سلطان احمد میرزا، کیست و آیا او همان عضدالدوله معروف است یا خیر؟ با استفاده از منابع متناسب با تاریخ صدور فرمان، سایر احمد میرزاهای آنکه ممکن بود، این فرمان شامل حال آنها هم شود، مورد بررسی قرار دادم، که از آن جمله اند: سلطان احمد میرزا، پسر کبیر میرزا نایب امیر دلباشی و سلطان احمد میرزا پسر کیومرث میرزای ایلخانی، پسر سی و دوم فتحعلی شاه، که پس از غور و تفحص مشخص شد که هیچ کدام از آنان شرایط دریافت این چنین فرمانی را به لحاظ مقطع تاریخی و سایر موارد نداشته اند. (در این زمینه، ر. ک: محمد حسن خان اعتماد السلطنه، منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۴، ج اول، ص ۱۲۹ و ج دوم، ص ۱۳۳ و ج سوم، ص ۲۰۷۳ و ۲۰۷۴)

۷۳- بر داشت، از نگارنده است.

۷۴- ن. ک: یحیی مدرس، حسین سامعی و... فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۲

۷۵- ر. ک: میرزا اسمعیل، تذکره الملوک، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیمات سینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۸، بخش دوم، ص ۵۷

۷۶- ر. ک: محمد حسن مستوفی، زبدة التواریخ، به کوشش بهروز گوردزی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۲۶

۷۷- ن. ک: فرهنگ بزرگ سخن، پیشین، ج ۵، ص ۵۸۲۲

۷۸- ن. ک: روزنامه کاوه، سال پنجم، ش ۴۴، ۱۳۳۹ ق.، ص ۳

۷۹- برای آگاهی بیشتر از نمونه ها و شواهد مشابه، ر. ک: سفرنامه رضاقلی میرزا نایب الایاله، به کوشش اصغر فرمانفرمایی قاجار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۱، (۱۲۵۰ ق.)، ص ۱۰-مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله، ج ۳، به کوشش کریم اصفهانیان و... تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، (۱۲۷۴ ق.)، ص ۱۸۶- (وقایع اتفاقیه ۱۳۲۲-۱۲۹۱ ق.)، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، بوین، ۱۳۶۲، ص ۵۶- اعتماد السلطنه، ۱۲۹۹ ق. ص ۴۸۴، به نقل از فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار، ص ۳۳۲- افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) او سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، ص ۲۶۲

۸۰- توضیح افزون اینکه: بالاخره ممکن است، برخی از مطالبی که در متن مقاله، به آنها اشاره شده و جنبه فریب دانه، خالی از اشکال نباشند و نیاز به تحقیقات و پژوهشهای تکمیلی داشته باشند، سعی ما بر این بوده که مباحث را به گونه ای طرح کنیم که به واقعیت موضوع نزدیک باشند. و نقایص امر به حداقل برسد. حال تاچه حد در انجام این وظیفه حظیر توفیق یافته ایم؛ از خداوند متعال استعانت و از ائمه اطهار (ع) شفاعت می جویم و در نهایت هم از اساتید محترم و صاحب نظران، راهنمایی و راه جویی می طلبیم.